

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

واکاوی علل رشد و تکوین تمدن اسلام و ایران با تأکید بر مؤلفه علم‌گرایی

محمد اسفندیار^۱

چکیده:

تمدن اسلام و ایران از جمله تمدن‌های بزرگ دنیا است که اذعان اندیشمندان جوامع به این مسئله انکارناپذیر است. در روند شکل‌گیری و تکامل تمدن‌های موجود در دنیا می‌توان به دنبال علل و عوامل مؤثر در توسعه و گسترش آنها بود. در تاریخ ملت‌ها، شاخص‌هایی چون فرهنگ و تمدن نقش و اثر بسیار مهمی داشته و در این میان شناسائی میراث علمی آنان حائز اهمیت است. در این پژوهش به واکاوی عوامل تاریخی که باعث رشد و زایایی تمدن اسلام و ایران شده است می‌پردازیم. این پژوهش با تکیه بر روش تاریخی به نقش اساسی علم و علم‌گرایی در رشد و گسترش این دو تمدن با سابقه، در ادوار مختلف تاریخی، تأکید می‌کند و این عامل را به عنوان نقش بی‌بدیلی در تکامل و یا احیاء دوباره این دو تمدن می‌داند. اسلام با تشویق و تحریک مسلمانان به علم‌ورزی و علم‌گرایی زمینه را برای توسعه علمی آنها فراهم نموده است. تمدن ایران باستان نیز با استفاده از صحنه علم و فرهنگ، وسیع‌ترین و پرشورترین میدان‌های خدمات ایرانیان به اسلام است. اکثریت تألیفات اسلامی، چه در رشته علوم دینی و چه در رشته‌های دیگر، به وسیله دانشمندان مسلمان ایرانی به وجود آمد. همچنین علت اساسی مصون ماندن و مغلوب نشدن فرهنگ ایرانی در برابر سایر فرهنگ‌ها این است که ایرانیان برخلاف اکثر ملت‌ها از خاصیت فرهنگ‌سازی برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: تمدن، اسلام، ایران، علم

مقدمه:

تمدن اسلام و ایران از تمدن‌های بزرگ جهان می‌باشند و این نشان‌دهنده این است که ظرفیت این دو مکتب در تمام ابعاد آن بسیار گسترده است که بتواند در تاریخ

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی: esfandiar.1300@yahoo.com

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

خدمات بزرگی را به جوامع داشته باشد. از شاخص‌های اصلی در بازتولید تمدن اسلام و ایران در جامعه در گام اول باید دغدغه سلامتی فکری انسان و جامعه باشد وقتی از فرهنگ و تمدن اسلامی سخن به میان می‌آید، ما باید نخست اثبات کنیم که دین اسلام دارای تمدن و فرهنگ خاص خود بوده است. پس بناچار باید نخست به ارائه تعاریفی دقیق از این دو واژه مبادرت کنیم و بدین وسیله منظور خود را از آنچه فرهنگ و تمدن اسلامی می‌نامیم، بیان کنیم و از آن جا که هدف نهایی ما در این اثر، اثبات این است که تمدن اسلامی در مسیر تجدید حیات و عظمت خود گام بر می‌دارد، شایسته است در آغاز، بنیانهای استواری را پی افکنیم که قابلیت تحمل این بنای معظم را داشته باشد. به طور کلی هر تعریف وقتی بیان می‌شود که ما در ذهن یا عمل با سؤالاتی بسیار روبرو شویم (ولایتی فصلنامه اندیشه . شماره ۱۲).

تمدن

در تعریف تمدن اندیشمندان زیادی آرای خود را بیان کرده اند که هر کدام از یک منظر به آن نگاه کرده‌اند عده ای عوامل مختلفی را برای ایجاد تمدن و تعریف تمدن آورده‌اند و بعضی به صورت تک بعدی و بعضی به صورت چند بعدی به توصیف تمدن پرداخته اند . در هر صورت تمدن هم مانند واژه های دیگر علوم انسانی تعریف مشخصی توان برای آن در نظر گرفت.

ساموئل هانتینگتون «تمدن» را بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آورد. (هانتینگتون، ، ۱۳۷۴، ص ۴۷). از نظر آرنولد توین بی، «تمدن» حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است؛ (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۰) علامه محمدتقی جعفری «تمدن» را این گونه تعریف می کند: «تمدن تشکّل هماهنگ انسان ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان ها در همه ابعاد مثبت است.» (جعفری ، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۱۶۱). در جمع بندی کلی تعاریف ارائه شده، می توان این گونه گفت: «تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. تمدن خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شده امور اجتماعی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

و یا به قول ابن خلدون، عمران یافتن است.» (ولایتی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲). واژه عربی تمدن که از واژه مدینه به معنی شهر مشتق شده معادل انگلیسی Civilization است که از واژه‌های Civis به معنای کسی که در شهر زندگی می‌کند و Civitas به معنای جامعه‌ای که فرد در آن ساکن می‌شود، گرفته شده است تمدن در لغتنامه ی دهخدا به معنای تخلق به اخلاق شهر آمده است. آندراج تمدن از باب تفاعل را در معنای در شهر بود و باش کردن می‌آورد؛ تمدن یعنی انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه. تمدن یعنی گذار از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت. اقامت کردن در شهر و شهرنشینی نیز در زبان فارسی برابر است با تمدن. (پهلوان . ۱۳۸۸. ص ۳۵۶) پیشاهنگ واژه ی civilization در زبان انگلیسی، مصدر civilize بوده است که در اوایل قرن هفدهم میلادی در انگلستان رواج یافت؛ و از civilizer در زبان فرانسوی قرن شانزدهم نشأت گرفته است. واژه ی پیشرو این واژه ی فرانسوی در لاتین میانه civilizare بوده است، یعنی امری جنایی به موضوعی مدتی تبدیل شود و، در معنایی موسع، در چارچوب سازمان اجتماعی قرار داده شود. ریشه ی آن civilise به معنای تعلق داشتن به شهروندان که از لاتین civis یعنی شهروند (citizen) بر آمده است. منبع (همان. ص ۳۵۶) واژه ی civilization در واژه نامه ی اش (Ash) به سال ۱۷۷۵، هم به معنای یک موقعیت، و هم به معنای یک فراگرد سر برآورد. در اواخر قرن هجدهم و به ویژه در قرن نوزدهم این واژه مقبولیت عام پیدا کرد. ویل دورانت در تعریف تمدن می نویسد: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظمی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. تعاریف متعددی از «تمدن» ارائه شده که هیچ مفهوم و مضمون قطعی نمی‌توان برای آن در نظر گرفت، ولی مجموع تعاریفی را که برای تمدن ارائه شده است، می‌توان در چهار دسته جای داد: (ضمیری، ۱۳۸۸، ص ۷۳ تا ۸۶)

۱- تعاریفی که در صدد تبیین ماهیت تمدن هستند.

۲- تعاریفی که در صدد تمایز بخشی میان فرهنگ و تمدن هستند.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۳- تعاریفی که به علل شکل دهنده تمدن‌ها اشاره کرده‌اند.

۴- تعاریفی که بر مؤلفه‌های مفهومی تأکید دارند.

در این راستا چنگیز پهلوان در کتاب فرهنگ و تمدن، تمدن را در حوزه علوم اجتماعی به چند دسته تقسیم کرده است که دارای بار ارزش می باشد: ((تمدن در حوزه ی علوم اجتماعی اغلب چند معنایی است همراه با بار ارزشی، که به گونه های زیر به کار می رود:

الف) پدیده هایی را می نامند که به ویژه دانشمندان آنگلو- ساکسن و فرانسوی به عنوان فرهنگ هم از آنها یاد می کنند.

ب) مجموعه ای است از معرفتها و مهارتهای عملی که نسلهای مختلف در طول زمان در گذار از شرایط ابتدایی و طبیعی، فراگرفته اند و آنها را پاس می دارند.

پ) دانشمندانی که بر معنویت تأکید می نهند، تمدن را دارای جنبه های مادی می دانند. به این اعتبار تمدن مجموعه ای است از علاقه های زیستی متأثر از تجربیات نازل فنی و اجتماعی، در مقابل فرهنگ عالی (Hochkultur) که با معنویت و روح الفت دارد .

ت) عده ای هم تمدن را حوزه های زیستی و اجتماعی مرتبط با عوامل فنی و مکانیکی می دانند، در مقابل فرهنگ ارگانیک و زنده .

ث) گروهی از جامعه شناسان تمدن را نظم ظاهری - سطحی، و آداب و عواطف مهارشده ای انسانهای می دانند که در بند عقل درآمده اند ، در مقابل فضیلت‌های واقعی فرهنگی و اخلاقی .

ج) از نظر فلسفه ی فرهنگ، تمدن از سویی به عنوان مرحله ای والاتر از مراحل زندگی ابتدایی نمایانده می شود که معرف غلبه بر دورانهای ابتدایی است یعنی انسان به مرحله ای پیشرفته می رسد و بر طبیعت چیره می گردد؛ از سوی دیگر تمدن معرف مرحله ی افول یک فرهنگ عالی است که انسانها بر اثر رفاه مادی و عقلانیت صرف ابزاری - عملی چشم اندازهای خود را از دست داده اند و به فساد گرایش پیدا کرده اند)). (همان ص ۳۶۲) کلمه «فرهنگ» یا «تمدن» به مفهوم

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

وسیع کلمه که مردم‌شناسان به کار می‌برند، عبارت از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری است که به وسیله انسان در جامعه خود به دست می‌آید. (روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ص ۴۸). تمدن عبارت است از مجموعه دانش‌ها، هنرها و فنون و آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک یا چند جامعه که باهم ارتباط دارند رایج است مثل تمدن اسلامی یا تمدن غربی که هر کدام دارای ویژگی‌هایی است که به عوامل جغرافیایی و تاریخی و تکنیکی خاص خود بستگی دارد. (همان ص ۴۹) در مجموع، به نظر می‌رسد «تمدن» همان نظم اجتماعی است که به مجموعه نهادهای اجتماعی از آداب، رسوم، هنر، علوم، تأسیسات و فعالیت‌های انسانی داده شده و با محیط جغرافیایی و اجتماعی تطبیق پیدا کرده است. از این‌رو، می‌توان تمدن را همان نظم و شیوه و ترتیب نهادها در بستر تاریخ دانست. در واقع، تمدن بخش سخت‌افزاری فرهنگ است، ولی فرهنگ به مجموعه آداب، رسوم، هنر، علوم و فنون اطلاق می‌شود. این همان بخش نرم‌افزاری است. البته قابل ذکر است که این تفکیک اعتباری است؛ زیرا در وجود خارجی، تمدن از فرهنگ جداشدنی نیست (همان ص ۷۳-۸۶)

عامل‌های تمدن ساز

ویل دورانت چهار عنصر را سازنده تمدن می‌داند که عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. از نظر *ویل دورانت*، ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ زیرا فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی، به راه کسب علم، معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد. *ویل دورانت* با عنوان «عوامل تمدنی»، برخی از مؤلفه‌های تمدنی، از جمله عامل زمین‌شناختی، شرایط جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی، وحدت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

زبانی و قانون اخلاقی را نام برده و بر عامل اقتصادی بیش از سایر عوامل تأکید نموده است (ویل دورانت، ص ۳-۷) ولیویا و لاهوس مؤلفه‌های تمدن را چنین شرح داده است:

الف. همه تمدن‌ها دارای مقررات و قوانینی هستند که معمولاً به صورت مجموعه‌ای مکتوب‌اند.

ب. همه تمدن‌ها دارای نوعی دولت هستند؛ دولتی با زمام‌داری پادشاهان یا روحانیان و پادشاه - روحانی و در نهایت، نمایندگان منتخب مردم.

ج. همه تمدن‌ها خط و الفبایی برای ثبت و ضبط وقایع و امور دارند.

د. در همه تمدن‌ها، اشکال و انواعی از هنر و فعالیت‌های هنری پیدا می‌شود.

ه. همه تمدن‌ها زبانی برای انتقال و آموزش دستاوردهای خود به نسل بعد دارند.

و. همه تمدن‌ها دارای معتقدات دینی با سلسله مراتبی از روحانیان و مقدّسان هستند.

ز. همه تمدن‌ها علوم را تکامل می‌بخشند، خواه به خاطر قواعد علمی و خواه برای خدمت به اهداف دینی (روح‌الامینی، ص ۵۲).

عوامل متعددی در زایش و اعتلای تمدن‌ها نقش دارند. یکی از این عوامل امنیت و آرامش یعنی امکان کاهش اضطراب‌ها و دل‌مشغولی‌هاست. عامل دیگر، که در واقع روح اصلی هر تمدن است گونه‌ای از غرور و همبستگی ملی یا به تعبیر ابن خلدون، عصبیت است. عامل بعدی اصل همکاری و تعاون است تا گروهی هم‌نظر، بر اساس آن و با تکیه بر اخلاقیات بتوانند شالوده‌ی تمدن را پی‌ریزی کنند. در کنار این عوامل، اخلاق را نیز نباید نادیده انگاشت. تسامح به معنای تحمل، بردباری و صبوری و نیز حفظ وحدت و یکپارچگی و دین از عوامل دیگر تمدن‌ساز به شمار می‌آیند.

برخی صاحب‌نظران معتقدند که هر تمدنی در طول حیات خود مراحل را طی می‌کند. دورانت بر آن است که مردمان هر تمدنی بر اساس رشد عقلی پس از مدتی به جای توحید و پرستش مبادی معنوی، به ستایش عقل و علم می‌پردازند؛ از این پس

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جنگ بین ارزش و دانش آغاز شده، نیروی محرک جوامع به تدریج متوقف می‌شود و دوره انحطاط آن تمدن آغاز می‌گردد.

به نظر ابن خلدون، هر تمدن سه مرحله را طی می‌کند: مرحله پیکار و مبارزه اولیه؛ مرحله پیدایش خودکامگی و استبداد و سرانجام مرحله تجمل و فساد که پایان تمدن به شمار می‌رود. مالک بن نبی دانشمند معاصر الجزایری، نیز بر همین اساس، مراحل سه گانه تمدن اسلامی را روح، عقل و غریزه دانسته و معتقد است در تمدن اسلامی، از قرن هشتم هجری به بعد، مرحله تسلط غریزه بر روح آغاز گشته و تمدن اسلامی از مرحله رشد خود دور شده است.

عوامل متعدد دیگری را نیز برای انحطاط تمدن‌ها برشمرده‌اند، از جمله فقدان وحدت و انسجام جامعه، هجوم دشمنان خارجی، آشفتگی در بافت طبقاتی جامعه و تولیدات تصنعی و رویکرد سوداگری و واسطه‌گری.

همه تمدن‌ها حتی ساده‌ترین آن‌ها دائماً در حال تغییر و تحول‌اند. گرچه همه تمدن‌ها با یک طرح معین و منحصر به فرد رو به تکامل نرفته‌اند لکن می‌توان مسیر اصلی تکامل هر کدام را (که در هر تمدنی بسته به شرایط آن متفاوت است) به دست آورد. البته مسیر تکامل تمدن‌ها از نظر کلی دارای اشتراکاتی است. به‌طور مثال در همه تمدن‌ها پیشرفت کشاورزی مقدم بر شهرنشینی بوده است. البته باید از انتساب دگرگونی و تکامل یک تمدن به یک مولفه خاص اجتناب کرد. بلکه مجموعه‌ای از مولفه‌های مرتبط باهم در این امر دخالت دارند که تعیین مهم‌ترین آن‌ها به شرایط جامعه مورد نظر بستگی دارد. (لینتون، رالف؛، ۱۳۷۸، ص ۸۰-۵۳). رقابت و تضاد میان تمدن‌ها از یک سو و تحولات درونی یک جامعه چه ناشی از عوارض طبیعی مانند زلزله، قحطی و چه پدیده‌های انسان‌ساخته مانند جنگ و انقلاب می‌توانند تمدنی را به افول بکشانند.. (علمداری؛، ص ۵۶).

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

قرآن و علت اساسی سقوط تمدنها

آیات بسیاری در قرآن این واقعیت را منعکس می کند که اساسی ترین علت فناء و نابودی جامعه ها و تمدنها و سلسله ها ، ظلم و تعدی و تجاوز کاری خود آنهاست که در اینجا به مطالعه برخی از آنها بسنده می کنیم.

((و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا و جاءتهم رسلهم بالبینات و ما کانوا لیؤمنوا کذالک نجزی القوم المجرمین))

((و ما قبل از شما امتحانی را بدلیل ظلم و جورشان به بوته هلاکت سپردیم آنان با اینکه پیامبرانشان با دلائل روشن بسویشان آمدند. بخط توحید و تقوا گام نسپردند و ایمان نیاوردند آری ما اقوام مجرم و زشتکار را این چنین کیفر می دهیم.)) (اعراف ، ۴،۵)

((و کم قصمنا من قریه ک انشاننا بعدها قوما اخرین)) (انبیاء ۱۱) و چه بسیار شهر و دیاری را که ستمکار بودند در هم کوبیدیم و پس از نابودی آنها جامعه و قومی دیگر بوجود آوردیم

قرآن کریم در نهایت وارثان زمین را افراد صالح معرفی می کند و اشاره می کند که سرانجام زمین از ظالمان و ستمکاران تهی می گردد و ما این گونه می خواهیم ((و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)) (قصص، ۵) ((و ما اراده کردیم بر ان طیفه ضعیف در زمین ه آنها را پیشوایان قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان قرار دهیم))

با توجه به آیات قرآن علل اصلی انحطاط تمدن ها را باید در عواملی همچون خوشگذرانی ، طغیان و سرپیچی ، ظلم و ستم ، ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر فساد و فحشا ، جهل و نادانی ، تقلید های کورکورانه ، عدم ترک صحیح از دین نام برد که هر کدام از این عوامل به درجاتی در انحطاط فرهنگ ها و تمدن ها اثر گذار است . (قانع ، ۱۳۴، ۱۳۷۹)

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تمدن اسلام از ظهور تا اوج

تاریخ تمدن اسلام را می توان به سه دوره تقسیم کرد : ۱ - دوره سبأ و حمیر ۲ - دوران جاهلیت که از سده ششم میلادی آغاز و به ظهور اسلام ختم می گردد؛ ۳ - دوره اسلامی، از صدر اسلام تا کنون. (ولایتی ۱۳۸۹ ص ۲۲)

مراحل تکوین اسلام

دکتر ولایتی در کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی مراحل تکوین اسلام را اینطور طبقه بندی می کند :

((مرحله اول: عصر دعوت یا آغاز فرهنگ و تمدن اسلامی.

مرحله دوم: عصر تشکیل حکومت اسلامی در یثرب و پایه گذاری نمادین مدنیت اسلامی

مرحله سوم: عصر گسترش اسلام در جزیره العرب و در جهان متمدن آن روزگار، شامل بین النهرین، ایران، روم، مصر، حبشه، هند، ماوراءالنهر، چین و ماچین، شمال آفریقا و سرانجام جنوب اروپا.

مرحله چهارم: عصر مجاور شدن فرهنگ و تمدن نوپای اسلامی با تمدنهای کهن جهان و کوشش برای شناخت و انتقال آن تمدنها به حوزه تمدن اسلامی از طریق ترجمه، تأسیس کتابخانهها و مدارس و جذب مغزهای متفکر به مراکز علمی و آموزشی جهان اسلام.

مرحله پنجم: عصر خود جوشی تمدن اسلامی.

مرحله ششم: عصر شکوفایی فرهنگ عمیق اسلامی و ادبیات عرفانی.

مرحله هفتم: عصر هنر و معماری.

مرحله هشتم: عصر رکود تمدن اسلامی یا عصری که صلیبیان و مغولان با قساوتها و بی رحمیهای بی سابقه شان روح ناامیدی را در فرهنگ اسلامی دمیده و با تخریب شهرها، اساس مدنیت مسلمانان را متزلزل کردند.

مرحله نهم: خیزش مجدد جهان اسلام.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مرحله دهم: هجوم استعمار و آغاز دومین دوره رکود یا عصر استحاله فرهنگی مسلمان؛ تهاجمی که به منزله یک شوک الکتریکی بر مراکز عصبی جهان اسلام بود. صرف نظر از عوارض آن یورش، این شوک، موجب پدید آمدن امواجی حیاتی شد که بعدها پدید آورنده یک سلسله حرکات پیوسته تاریخی در گستره جغرافیای اسلامی گردید که از آن به بیداری اسلامی تعبیر می کنیم؛ بیداری اسلامی یا دعوت برای بازگشت به اسلام.)) (همان ص ۱۳)

عوامل شکوفایی تمدن اسلامی

ویژگی دین اسلام این بوده که در مدت زمان بسیار کمی توانسته مبانی عقیدتی خود را نه تنها در جامعه عرب بلکه در بخش وسیعی از جهان بگستراند به طوری که ویل دورانت در تاریخ تمدن می گوید ((تمدنی شگفت انگیزتر از تمدن اسلام وجود ندارد. اگر اسلام طرفدار ثبات، جمود و یکنواختی می بود، باید جامعه را در همان حد اول جامعه عرب نگه بدارد، در حالی که (در طی کمتر از یک قرن) تمدن های وسیع مجاور را در خودش جمع کرد و از مجموع آنها تمدن عظیم تری را به وجود آورد.)) (همان))

نهضت علمی مسلمین

اصل کلمه علم، بجز مشتقات آن، حدود هشتاد بار در قرآن کریم در مواضع مختلف به کار رفته است و اگرچه کلمه عقل در قرآن نیامده، ترکیب «اولی الالباب» را که به معنای خردمندان است می توان در قرآن یافت. همچنین، واژگانی چون حکمت، برهان، فکر و فقه بارها در قرآن به کار رفته اند. (همان ص ۲۷)

این تأکید پیامبر اسلام که دانش آموختن بر هر زن و مرد مسلمان واجب و فریضه است، یا ساعتی اندیشیدن از عبادت یک ساله نیکوتر است، نمونه هایی از تأکید بر دانش اندوزی در اسلام است. در دوره حیات ائمه، به ویژه از دوره امام جعفر صادق (ع) که دانش و دانش اندوزی رونق تمام داشت، آن حضرت یاران خویش را به دانش اندوزی تشویق می فرمودند. اینکه در روز قیامت قلم دانشمندان بر خون شهیدان سنگینی خواهد کرد، نمونه ای از این تشویقهاست. علم آموزی و پیشرو

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بودن در یادگیری علم از عوامل اصلی تمدن سازی اسلامی در مدت زمان بسیار کم بوده است آنچه رشد علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمانان میسر ساخت، در حقیقت همان اسلام بود که با تشویق مسلمین به علم و ترویج نشاط در زندگی، راه اعتدال، توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد. اسلام در دنیایی دعوت خود را آغاز کرد که در حال رکود و جمود بود. اسلام با تعلیمات مبتنی بر جست و جوی علم و ترک تعصبات قومی و مذهبی و اعلام مکان همزیستی با اهل کتاب، به تعبیر قرآن غل‌ها و زنجیرهایی را که به دست و پا و گردن مردم بسته شده بود، پاره کرد و زمینه رشد یک تمدن عظیم و وسیع را فراهم ساخت. (زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۱۳).

اقرار اندیشمندان غربی به رشد تمدن اسلامی

پروفسور ارنست کوئل آلمانی، استاد هنر اسلامی در دانشگاه برلین، در سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۴ می‌گوید: مسلمانان از نژادهای مختلف بر روی اختلافات نژادی خود پل بسته بودند؛ یعنی اسلام برای اولین بار توانست وحدتی سیاسی و اجتماعی بر اساس عقیده و مرام و مسلک به وجود آورد، و به همین جهت تسهیلات زیادی را از لحاظ ایجاد تمدنی عظیم و وسیع به وجود آوردتوصیه و تأکید اسلام در توجه به علم و علما، علت و موجب اصلی آشنایی مسلمین با فرهنگ و دانش انسانی بود. قرآن مکرر مردم را به تفکر و تدبیر در احوال کائنات و تأمل در اسرار آیات دعوت کرده و مکرر به برتری اهل علم و درجات آنها اشاره کرده است. (همان، ص ۴۴۹). توجه مسلمین به علوم از قرآن آغاز شد. آنها به تلاوت صحیح قرآن اهمیت می‌دادند. تمام سعی خود را در فهمیدن احکام قرآن مصروف می‌داشتند. احساس نیاز مسلمین به درک و فهم الفاظ و معانی قرآن، علوم مختلف اسلامی را به وجود آورد. گوستاو لوبون می‌گوید: بعضی (از اروپاییان) عار دارند که اقرار کنند که قومی کافر و ملحد (یعنی مسلمانان) سبب شده اروپای مسیحی از حال توحش و جهالت خارج گردد. لذا آن را مکتوم نگاه می‌دارند. نفوذ اخلاقی همین اعراب زاینده اسلام، آن اقوام وحشی اروپا را که سلطنت روم را زیر و زبر نمودند، داخل در طریق آدمیت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نمود و نیز نفوذ عقلانی آنان دروازه علوم و فنون و فلسفه را که از آن به کلی بی‌خبر بودند به روی آنها باز کرد و تا ششصد سال استاد ما اروپاییان بودند. (تمدن اسلام و عرب (چاپ چهارم)، ص ۷۵۱) ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌گوید: پیدایش و اضمحلال تمدن اسلام از حوادث بزرگ تاریخ است. اسلام طی پنج قرن، از سال ۸۱ تا ۵۹۷ هجری، از لحاظ نیرو و نظم و بسط قلمرو و اخلاق نیک و تکامل سطح زندگی و قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی (احترام به عقاید و افکار دیگران) و ادبیات و تحقیق علمی و علوم و طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود. (ویل دورانت، ج ۱۱، ص ۳۱۷)

شاید بدیهی‌ترین عنصری که در ترویج علوم تمدن اسلامی نقش عمیق و فراگیر داشته آیات و روایاتی است که مسلمانان را به علم و دانش تشویق می‌کرده. یکی از مورخان، در این باره می‌گوید: آنچه مایه ترقیات علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمین میسر ساخت در حقیقت، همان اسلام بود که با تشویق مسلمین به علم و ترویج نشاط حیاتی، روح معاضدت و تساهل را جانشین تعصبات دنیای باستانی کرد و در مقابل، رهبانیت کلیسا، که ترک و انزوا را توصیه می‌کرد، با توصیه مسلمین به راه وسط، توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد. . . . در چنین دنیایی که اسیر تعصبات دینی و قومی بود، اسلام نفعه تازه‌ای دمید؛ چنان که با ایجاد دارالسلام، که مرکز واقعی آن قرآن بود، تعصبات قومی را با یک نوع جهان‌وطنی چاره کرد. « (حکیمی، ۱۴۰۸ ق، ص ۵)

فؤاد سزگین آنچه را بار تولد عامل تمدن و تمدن اسلامی معرفی کرده بود - یعنی روابط فرهنگی میان اقوام و ملل و نه دین و مذهب - با بیانی در خور تحسین، ناشی از موضع اسلام نسبت به علم و دانش دانسته، می‌نویسد: «تنها انگیزه سود عملی و یا نظری بودن نمی‌تواند علت پدیده ترجمه کتب بیگانه را در سطحی گسترده توسط مسلمین برای ما روشن کند. ناگزیر باید با موضع ویژه دین اسلام نسبت به علم و دانش آشنا شد که همین موضع اسلام در قبال دانش نه تنها بزرگ‌ترین

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

عامل تحرک در زندگی دین، بلکه در جمیع جهات حیات انسانی بود. « (فؤاد سزگین، ۱۳۷۱ ص ۲۹)

از دیگر ویژگی های ممتاز اسلام در تمدن سازی، پیکار با بی سوادی است. انتشار دین اسلام، که مسلمانان به آن مامور بودند، مستلزم پیکار با بی سوادی بود؛ «زیرا آیات قرآن کریم نوشته می شد و کسی که توانایی داشت آن ها را برای دیگری می خواند. . . پس از جنگ بدر، برای رهایی هر اسیری آموختن دو طفل از اهالی مدینه مقرر شده بود و این یک نمونه روشن از طرز فکر بنیانگذار اسلام است. پیامبر اسلام برای بعضی یاران خود، حتی یادگرفتن زبان بیگانه را لازم شمردند و زیدبن ثابت را مامور یادگرفتن زبان یهود نمودند. . . عده دیگری را نیز حضرت وادار کرد زبان سریانی بیاموزند.» (مفتح، ۱۳۶۱، ص ۱۰-۱۱ / ص ۱۲)

تشویق علماء و فراهم آوردن امکانات برای تحقیق و فراگیری علم

تشوق خلفاء، امیران، و وزرا به کسب علم و نیز حمایت و پشتیبانی آنان از کارهای علمی یکی از عوامل پیدایش تمدن اسلامی به شمار می آید. موارد زیر از جمله اقداماتی است که برای ترویج علم اتخاذ می شد. (همان ص ۸۳) تأکید قرآن و سنت بر تکریم از دانشمندان تأثیر زیادی در شکوفایی تمدن اسلامی در آن برهه از زمان داشت به گونه ای که حتی اهل کتاب هم مورد احترام و اکرام بودند. بسیاری از رهبران و بزرگان جهان اسلام در آن زمان دانشمندان را به شیوه های مختلف جذب نظام اسلامی می کردند و در تکریم آنان هرگز کوتاهی نمی کردند. ابوریحان بیرونی در دربار قابوس بن وشمگیر به درجه ای از عزت و احترام رسیده بود که بدون اینکه از کسی اجازه بگیرد در هر نقطه ای از دربار رفت و آمد می کرد. (حلبی، ۱۳۶۱، ص ۲۵۶). از چهره های تمدن اسلامی می توان به افراد ذیل اشاره کرد که در اکثر رشته های روزگار خود سر آمد بودند و نقش بسیار مهمی در پویایی علوم و فرهنگ تمدن اسلامی داشته اند. جابر بن حیان، ابو یوسف یعقوب بن اسحاق کندی، حنین بن اسحاق، محمد موسی الخوارزمی، محمد بن زکریای رازی، ابونصر فارابی، ابوالحسن مسعودی، ابو علی الحسین بن سینا، ابوعلی الحسن بن الهیثم، ابوریحان

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

البیرونی ، ابو حامد محمد الغزالی، عمر خیام، ابوالولید محمد بن رشد، نصیر الدین طوسی، قطب الدین شیرازی، ابن خلدون، بهالدین عاملی

افزایش کتابخانه‌ها

از عوامل شکوفایی علم در آن زمان تعدد کتابخانه‌ها در سرزمین اسلامی بود. مردم خیر با خرید کتاب و اهدای آن به کتابخانه‌ها نقش بسزایی در شکوفایی تمدن اسلامی بازی کردند به عنوان مثال: ابوالقاسم موصلی در موصل کتابخانه‌ای تأسیس کرد و علماء، و دانشمندان زیادی را به آنجا دعوت کرد و برای افراد فقیر کاغذ و پول فراهم می نمود. (عبدالرحیم، ۱۳۶۴ ه.ش، ص ۹۲).

مذهبی ها اولین پرچمداران علم در اروپا:

«شما می دانید که در اروپا - در همان قرون که اشاره شد (حدود سه قرن از فارابی تا خواجه نصیر) ضدیت با دین بود البته تا برهه ای از زمان، به خاطر آن دین کذایی، ضدیت با علم بود حتی در اروپا هم اولین مشعل داران علم، افراد دینی اند. خود این راجر بیکن معروف (۱۲۱۴-۱۲۹۴ م) که فرانسوی ها به او «رژه بیکن» می گویند - کشیش است؛ که در قرن سیزدهم میلادی، از اولین پرچمداران علم در اروپاست. به عبارت دیگر ، اولین جلوه های علم که به رنسانس اروپا منتهی شد و آن تحول علمی را پدید آورد، باز از طرف مذهبی ها بود؛ منتها مذهبی های روشن، نه مذهبی های تاریک ذهن» (دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران ۹۳/۱۱/۱۵)

عوامل افول دوران شکوفایی تمدن اسلامی

اما چرا تمدن اسلامی با این همه عظمت و شکوه و ارزش و جلال و گستردگی جغرافیایی و عمق، از بین رفت؟ عوامل چندگانه‌ای را می توان برای آن جست و جو کرد. مسلم است که زلزله ها، امراض فراگیر، قحطی‌ها، مهاجرت و مانند آن نمی توانند پایه‌های اساسی تمدن را نابود کنند، مگر اینکه از جمله عذاب‌های الهی باشند که در آن صورت، وضع فرق می کند. تمدن‌ها و اقوامی که در قرآن به نابودی آنها توسط عذاب‌های آسمانی و الهی اشاره شده، بخشی از آنها توسط همین بلایای

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

طبیعی از قبیل سیل و زلزله و طوفان نابود شده‌اند. اما در مورد تمدن اسلامی، این مسئله به گونه‌ای دیگر است. به قول ویل دورانت، هیچ یک از تمدن‌های تاریخ همچون تمدن اسلام، دچار ویرانی ناگهانی نشده است. مثلاً فتح روم توسط بربرها به تدریج و در دو قرن صورت گرفت و در فاصله هر حمله تا حمله بعدی، قسمت متصرفه این امکان را داشت که تجدید قوایی بکند و فاتحان ژرمنی در دل نسبت به دولت محترمی که به ویرانی آن کمک کرده بودند، احترام می‌گذاشتند و احیاناً بعضی از آنان برای حفظ آن، کوشش می‌کردند. ولی تاخت و تاز مغولان فقط چهل سال بود. نیامده بودند که فتح کنند و بمانند، بلکه می‌خواستند بکشند و غارت کنند و حاصل را به مغولستان ببرند. وقتی موج خونین مغول باز پس رفت، آنچه بر جای ماند عبارت بود از: اقتصادی به شدت آشفته، قنات‌هایی ویران یا کور، مدرسه‌ها و کتاب‌خانه‌هایی سوخته، دولت‌هایی چنان فقیر و ضعیف و از هم گسیخته که قدرت اداره کشور را نداشتند و نفوسی که به نیم تقلیل یافته و روحیه باخته بودند. اما پیش از حمله خارجی، لذت‌طلبی «اپیکوری»، خستگی جسمی و روحی، بزدلی و بی‌لیاقتی جنگی، فرقه‌گرایی و جهل مذهبی، فساد، و هرج و مرج سیاسی، دولت را به اضمحلال کشانیده بود. این عوامل و نه تغییر اقلیم بود که فقر و فلاکت و ویرانی را جایگزین رهبری جهانی آسیای باختری کرد و ده‌ها شهر آباد و معتبر بین‌النهرین و ایران و قفقاز و ماوراءالنهر را به فقر و بیماری و عقب‌ماندگی کنونی دچار ساخت. (بسیج، شماره ۱۰۹، ۸۴-۹۳) به طور کلی برخی از مهمترین عوامل افول دوران شکوفایی تمدن اسلامی را اینگونه ذکر می‌کند:

تجگر: یکی از عوامل رکود فرهنگ و تمدن اسلامی مسأله تججر و تججرگرایی بوده است؛ تحول ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزش‌های متعالی، ابتدا در حوزه تفکر و اندیشه رخ می‌دهد. مبارزه با جریان‌های عقلی و بروز پدیده عقل‌گریزی در جهان اسلام یکی از نشانه‌های تججرگرایی و از عمده‌ترین عوامل سیر تمدن اسلامی به سمت انحطاط در قرون پس از عصر طلایی تمدن اسلامی بود. یکی دیگر از عوامل رکود فرهنگ و تمدن اسلامی تججر است که برای درک تأثیر آن در

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

فرهنگ اسلامی باید به تعریف و تبیین دقیق آن پرداخت. تحجر معانی متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به ایستایی، تحول‌ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزشهای حقیقی و متعالی اشاره کرد. تحجر در حوزه اندیشه و تفکر رخ می‌دهد و اگر در زمینه گرایش و رفتار ظاهر شود جمود نام دارد. در مفاهیم قرآنی نیز از تحجر به‌عنوان مرحله یا مانعی برای شناخت حقیقت یاد شده است:

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً... (بقره، ۷۴). از دید قرآن کریم، این دسته افراد آنهایی هستند که از حوزه اندیشه و تفکر فاصله گرفته، هدایت‌ناپذیر شده‌اند. پس تحجر علت عدم پذیرش حق و گرایش به کمال و سعادت واقعی است و متعاقباً مانعی جدی در شکوفایی اندیشه دینی و ایجاد تعامل مثبت نظری و عملی با حقیقت، معرفت، حکمت، حکومت، مدیریت و سیاست و حتی تقدیر معیشت به شمار می‌رود و متحجران از اسلام جز آموزه‌های بسته، رسوب‌یافته و انعطاف‌ناپذیر در برخورد با اقتضائات زمان و مکان و تغییر موضوع و محمول‌ها ندارند و هرگز پذیرای فقر اندیشه و عمل خویش، و بازشناسی و بازننگری فکر و فعل به‌اصطلاح اسلامی خود نیستند و همواره راکد و تحول‌ناپذیرند. (محمد المسیری، ۱۳۷۴، مقدمه ص ۱-۱۷).

گسترش تصوف: رشد مهار گسیخته تصوف در قرون ششم و هفتم هجری از عوامل رکود تفکر اسلامی محسوب می‌شود. برخی محققان از این جریان به عنوان آفت بزرگ علوم عقلی به ویژه فلسفه یاد کرده‌اند صوفیان ابزارهای درک حقیقت را چیزهایی همچون عشق و اشراق می‌دانستند و هرگز به اهمیت عقل و استدلال و واقع‌گرایی توجهی نداشتند. در دوره حاکمیت فکری متصوفه، تعقل و تفکر محکوم به ایستایی و رکود بود. (همان ص ۶۳)

خودکامگی: معمولاً ماهیت دولت را ارتباط فرمانروا با مردمان تعیین می‌کند. تبدیل خلافت به کشورداری و سلطنت و تکیه امویان بر تعصبات عربی باعث شد تا در گروه‌ها و اقوام موجود در ساختار جوامع دارالاسلام گونه‌ای احساس بیگانگی با حاکمان رشد کند؛ ضمن آنکه رفتار حاکمان اموی و حتی عباسیان و اعمال ظلم-

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

های مالیاتی و تحقیرهای نژاد و سرکوبی‌های متعدد مسأله جدایی حکومت و مردمان را بیشتر تشدید کرد. (همان ص ۶۳)

تهاجم اقوام و جنگ‌های ویرانگر: هجوم‌های خارجی از مهمترین عوامل تباهی دولت‌ها و تمدن‌ها در طی ادوار تاریخی در جهان به ویژه ایران بوده است. این عامل خارجی، انحطاط تمدن‌ها و دولت‌ها و تحلیل قوای مادی و معنوی و پیامدهای سخت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را سبب شده است. این مسأله هرگاه که با ضعف داخلی دولت‌ها در سرزمین‌های مورد هجوم همراه شده نقش عمده‌ای در ویرانی آثار تمدنی داشته است. (همان ۶۴)

سقوط اندلس: از عواملی که نشانه‌ای از انحطاط و کاهش توسعه سرزمینی دارالاسلام بود به سقوط اندلس می‌توان اشاره کرد. جامعه اسلامی اندلس از قرن ۸- ۱۵ م شاهکارهای علمی، معماری، فرهنگی و هنری تمدن اسلامی ایجاد کرد. اندلس از سال ۹۸-۱۳۲ هجری بخشی از دارالاسلام تحت سلطه خلافت امویان محسوب می‌گردید و حاکمان آنجا را والیان افریقیه که در قیروان بودند منصوب می‌کردند و ۲۰ حاکم مسلمان طی این سال‌ها به حکومت در اندلس پرداختند. (همان ۶۷)

تاریخ تمدن ایران

تمدن ایران یکی از تمدن‌های مهم و تأثیرگذار بر تمدن اسلامی است که نقش بسیار مهمی در بالندگی آن داشت و این اثرگذاری به واسطه پیشینه کهن و غنی تمدن ایران است. (بهنیا فر، ۱۳۸۸، ص ۲۳)

در پیشرفت علمی ایران در عهد باستان، عنایت پادشاهان به علم و دانش و بهره‌گیری از علوم هندی، سریانی و یونانی از طریق ترجمه آنها به زبان پهلوی موثر بود. مهم‌ترین ویژگی ایرانیان آن بود که برخلاف نواحی تحت سلطه امپراطوری روم، فرهنگ ملی خود را فراموش ننموده و زبان عربی را جایگزین زبان فارسی نکردند، بلکه در اعتلای آن کوشیده و هنگام مواجهه با فرهنگ اسلامی ابتدا بخشهای مهمی از آن را پذیرفتند و سپس درصدد اعتلای سایر بخش‌های علمی و معرفتی آن

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

برآمدند. عواملی چون تدریجی بودن گسترش دین اسلام در میان ایرانیان، آشنایی نسبی دو طرف از یکدیگر و تشابهات اعتقادی آئین زردشتی با دین اسلام به اشاعه فرهنگ اسلامی ایرانی کمک زیادی کرد. شاخص اصلی تمدن ایرانی کانون علمی جندی شاپور بود که محل اتصال علوم و تمدن سریانی، هندی و ایرانی با سایر ملت‌ها به ویژه مسلمانان محسوب می‌شد. در این مرکز با همکاری ایرانیان، نسطوریان و هندیان، علوم مختلف به ویژه علم پزشکی پیشرفت نمود. (همان، ۸۸)

بعد از ورود اسلام به ایران، مرکز علمی جندی شاپور به یکباره از بین رفت و تا دو سده دوام یافت و پس از آنکه بغداد مرکزیت علمی یافت، علوم مختلف از جمله پزشکی از جندی شاپور به بغداد منتقل شد و بسیاری از دانشمندان ایرانی هم به بغداد رفتند که معروفترین آنها بازماندگان بختیشوع و شاپور بن سهل بودند. بیشتر خاندان بختیشوع از لحاظ خدمت به دانش پزشکی موقعیتی ممتاز داشتند. بنابراین ایرانیان در بارور کردن فرهنگ و علوم اسلامی نقش اساسی داشته و در بسیاری از زمینه‌ها از اعراب پیش افتادند و با نبوغ خویش به اسلام صبغه جهانی بخشیدند. (بهنیا فر، ۱۳۸۸)

از این جهت طی چهارده قرن همراهی تاریخ ایران و اسلام، فرهنگی غنی و گسترده پدید آمد که در آن فرهنگ ایرانی بدون اسلام به همان اندازه محال بوده که فرهنگ اسلامی بدون ایران غیر قابل تصور است.

به طور کلی ایران به عنوان یکی از پیشتازان کهن فرهنگ و دانش بشری در انتقال علوم به تمدن اسلامی سه نقش مهم داشت: ۱. انتقال سنت علمی خود به جهان اسلام؛ ۲. انتقال برخی از علوم یونانی که به زبانهای پهلوی و سریانی ترجمه شده بود به جهان اسلام؛ ۳. انتقال برخی از جنبه‌های علوم هندی مثل پزشکی، نجوم و تاریخ طبیعی به تمدن اسلامی.

به علاوه مسلمانان نظامهای اداری خود را از ایرانیان اقتباس کردند، دفترها و دیوانهای دستگاه خلافت به سبک دفترها و دیوانهای قدیمی ایران تنظیم می‌شد و احیاناً زبان اداری و دفتری، زبان فارسی بود، اما بعدها خود ایرانیان ترجیح دادند که

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آن را به زبان عربی برگردانند. ابن ندیم در الفهرست می نویسد. «دومین ترجمه به زبان عربی، نقل دیوانها و دفاتر دولتی است که در زمان حجاج بن یوسف ثقفی به وسیله صالح بن عبدالرحمان که از نژاد ایرانی بود از فارسی به عربی برگردانده شد.» (بهنیا فر ، ۱۳۸۸)

یکی از تأثیراتی که فرهنگ ایرانی در تمدن اسلامی به جای نهاد راه یافتن ایرانیان در دستگاه حکومت و به دست گرفتن قدرت دولتی بود، چون ایرانیان سابقه زیادی در علوم داشتند و پس از روی کار آمدن عباسیان، رجال معروف ایرانی به دربار نفوذ کردند و تأثیر فراوانی در تمدن اسلامی گذاشتند. [۱۵] بنابراین نه تنها پس از فتح ایران بلکه پیش از ظهور اسلام نیز مردم جزیره العرب از راه یمن و حیره با تمدن و فرهنگ ایرانی مرتبط بودند.

در رابطه با تأثیر تمدن ایران بر تمدن اسلامی پ. ژ. مناشه می نویسد: «ایرانیان بقایای تمدن تلطیف شده و پرورده ای به اسلام تحویل دادند که بر اثر حیاتی که این مذهب در آن دمید جان تازه ای گرفت.» (همان)

ادوارد براون انگلیسی نیز در این رابطه چنین اظهار نظر می کند: «اما در علوم و فنون اسلامی به قدری ایرانیان کار کردند که اگر علومی که به اسم عرب معروف است اعم از تفسیر، حدیث، الهیات، فلسفه، طب، تراجم و حتی صرف و هر آنچه که ایرانیان در این مباحث نوشتند را مجزا کنید، بهترین قسمت آن علوم از میان می رود.» (همان)

ابن خلدون معتقد است «واقعیتی برجسته است که بیشتر دانشمندان اسلام چه در علوم دینی و چه عقلی جز چند تن همه غیر عرب بودند، چنان که سیبویه، صاحب صنعت نحو و پس از او ابوعلی فارسی و به دنبال آن زجاج بودند که همه آنها از لحاظ نژاد، ایرانی به شمار می رفتند ولی تربیت یافته محیط عرب زبان بودند.» (همان)

تاریخ تمدن ایران از فرازو نشیب ها و تحولات بزرگی در طول تاریخ خود برخوردار بوده است به طوری که اکثر دانشمندان بزرگ تاریخ به طور مفصل و همه جانبه به

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آن پرداخته اند در کتاب تاثیر تمدن و فرهنگ ایرانیان در جهان به ویژگی های ایرانیان در علم و تمدن و هنر پرداخته است و با بررسی این عوامل به متمدن بودن کشور ایران پی خواهیم برد. منحصر به فرد بودن ایران فراتر از چند طرح چشمگیر نساجی ، یا تعداد بنای دوره ی میانه ، و حجمی از اشعار غنایی است. مسافری که از ایران دیدن می کند ، با هر درجه ای از ادراک و هوشمندی ، خیلی زود متوجه تحول یک الگوی عمیق ریشه دار حیات می شود الگویی که در تداومش از گذشته ، سنتی عمیق را حفظ کرده است. (قادری ، ۱۳۸۶) به درستی نمی دانیم که زندگی انسانی از چه زمانی در ایران وجود داشته است . قدیمی ترین آثار شناخته شده و بدست آمده از زندگی انسان در این سرزمین مربوط به دورانی است که انسان در غرها می زیست و از سنگ به عنوان ابزار و آلت تامین معیشت دفاع از خود استفاده می کرد. (نجفی ، ۱۳۸۱)

خصلت فرهنگ سازی ایرانیان

علت اساسی مصون ماندن و مغلوب نشدن فرهنگ ایرانی در برابر سایر فرهنگها این است که ایرانیان بر خلاف اکثر ملتها از خاصیت فرهنگ سازی برخوردارند. به عبارت دیگر نه تنها خصلت تمدن سازی دارند بلکه می توانند فرهنگ را نیز به عنوان جوهره و مایه اصلی تمدن از نو بسازند. برای اثبات این ادعا می توان به تمدن های کهن نظیر تمدن مصر، سوریه، لبنان و ... اشاره کرد که پس از گسترش اسلام به طور کامل مضمحل شدند اما در برابر آنها تمدن ایرانی به رغم پذیرش اسلام، هرگز به طور کامل وجه فرهنگی و تمدنی خود را از دست نداد. از این رو ایرانیان این خاصیت را دارند که مظاهر بیرونی تمدن را از غرب اخذ نمایند و فرهنگ مدرن خود را با اصلاحات فرهنگی گذشته توسط خودشان و بر اساس اصول اسلامی ایرانی خود شکل دهند

علم و فرهنگ ایرانیان

صحنه علم و فرهنگ، وسیع ترین و پرشورترین میدان های خدمات ایرانیان به اسلام است. هر چند بیشتر آثار علمی که از خارج دنیای اسلام نقل و ترجمه شد از غیر

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ایران بود، ولی اکثریت تألیفات اسلامی، چه در رشته علوم دینی و چه در رشته‌های دیگر، به وسیله دانشمندان مسلمان ایرانی به وجود آمد. افتخار و امتیاز ایرانیان در دوره اسلام در همین است.

ادوارد براون می‌گوید: اگر از علومی که عموماً به اسم عرب معروف است، اعم از تفسیر و حدیث و الهیات و فلسفه و طب و لغت و تراجم احوال و حتی صرف و نحو زبان عربی، آنچه را که ایرانیان در این مباحث نوشته‌اند مجزا کنید بهترین قسمت آن علوم از میان می‌رود. (ادوارد براون، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۳۰۳) یکی از دلایلی که می‌رساند تا چه حد ایرانیان دوره ساسانی از حیث علم و دانش سرآمد عصر خود بوده‌اند آنست که چون ژوستینین درهای مدارس فلسفی را بست دانشمندان یونان، آتن را ترک گفته و به ایران پناهنده شدند و به تیسفون روی آوردند و انوشیروان آنها را با گرمی پذیرفت. اینان چندگاهی در ایران ماندند و خسرو هنگام عقد پیمان صلح با ژوستینین در عهدنامه ماده‌ای مبنی بر آزادی فلاسفه مذکور در بازگشت به وطن خودشان به امپراتور قبولاند. (قدیانی، ۱۳۸۱ ص ۲۹۴) ابن خلدون در کتاب مقدمه خود می‌نویسد: «ایرانیان بر شیوه‌ای بودند که به علوم عقلی اهمیتی عظیم می‌دادند و دایره آن علوم در کشور ایشان توسعه یافته بود زیرا دولتهای ایشان در منتهای پهنآوری و عظمت بود و هم گویند که این علوم پس از آنکه اسکندر دارا را کشت از ایرانیان به یونانیان رسیده است. (نیر نوری، ۱۳۴۵ ص ۳۶۲)

ذوق و صنعت: خدمات ذوقی و احساسی، بیش از خدمات فرهنگی می‌تواند نشان دهنده احساس‌های پاک و خالصانه ایرانیان بوده باشد؛ زیرا بیش از آنها سر و کارش با عشق و ایمان است. به طور کلی شاهکارها مولود عشق‌ها و ایمان‌ها است. بسیاری از آثار ایرانیان در بخش علوم و فرهنگ اسلامی شاهکار است. شاهکارهای صنعتی ایران در دوره اسلامی، اعم از معماری‌ها، نقاشی‌ها، خوشنویسی‌ها، تذهیب کاری‌ها، خاتم کاری‌ها، کاشی کاری‌ها و معرق سازی‌ها و غیره بیشتر در زمینه‌های دینی اسلامی بوده است. ایرانیان نه تنها در ایران بلکه در غیر ایران نیز آثار هنری و فنی اسلامی بسیاری به وجود آورده‌اند. در برخی کشورهای غیر اسلامی که مسلمانان در

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اقلیت‌اند، مانند هند و چین، آثار اسلامی بسیار هست که با دست ایرانیان به وجود آمده و سند اخلاص ایرانیان نسبت به اسلام است. یکی از مظاهر خدمات ذوقی و احساسی ایرانیان به اسلام، خدماتی است که از راه زبان فارسی به اسلام کرده‌اند. ادیبان و عارفان و سخنوران ایرانی، حقایق اسلامی را با تمثیلاتی لطیف مجسم کرده و معانی لطیف قرآنی را در قالب حکایت‌هایی شیرین بیرون آورده‌اند. مثنوی مولانا بهترین شاهد این مدعا است (همان، صص ۵۸۰-۵۸۲، ۲-۱۹).

«ژوزف ستریگووسکی» خاورشناس معروف در رابطه فنی بین اقوام شمالی اروپا و آسیا می‌گوید که قسمت مهمی از فنون و صنایع مسیحی از ایران اقتباس شده و عقیده داشته است که یک رابطه فرهنگی و فنی بین ایران و شمال آسیا با اقوام شمالی اروپا از قدیم وجود داشته است. «ادوکس» (Eudoxe) هم که در آکادمی یونان حضور می‌یافت، بسیاری از علوم ایرانی را به افلاطون و شاگردان او می‌آموخت. افلاطون، در ترجیح دادن روش پادشاهی بر دیگر اشکال حکومت، و تقسیم جامعه به طبقات سه گانه، و قرار دادن «حاکم حکیم» در رأس جامعه بی شک به سازمانهای دولتی و اجتماعی ایران نظر داشته است و جزیره افسانه‌ای «آتلانتیس» که وی در رسائل خود توصیف کرده، بقول «فراید لندر» صورت آرمانی شده امپراتوری ایران است. (همان ۲۹۹)

تأثیر علوم پزشکی ایران بر یونان

ابوعلی سینا از نوابغ گیتی و دانشمندان نامی دنیاست. وی را معلم ثانی لقب داده‌اند و همین عنوان می‌رساند که پس از معلم اول یعنی ارسطو کسی در ظرف چهارده قرن مانند ابن سینا در علم و حکمت نرسیده است. در مشرق زمین او را بعد از ارسطو و جالینوس خاتم حکماء و پزشکان و دانشمندان شمرده‌اند. (همان ص ۱۴۱)

دیوان

دیوان کلمه‌ای پهلوی است و در معنایی شبیه به اداره بکار رفته است. در دوره ساسانی، اداره‌هایی که کارهای مختلف دولت را راه می‌برده‌اند، مانند اداره‌های مرکزی خراج و سپاه و چاپارخانه‌ها و مانند اینها، به نام دیوان معروف بوده و

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دیوانهای مرکزی به منزله وزارتخانه‌های این عصر شمرده می‌شده‌اند. چون خلفا به اقتباس از تشکیلات ایرانی پرداختند این نام هم در عربی داخل شد و در معنایی نزدیک به آنچه در پهلوی داشت به کار رفت. این کلمه در عربی نخستین بار در دفتر جمع و خرج یا دفتری که در آن نام مجاهدان ثبت می‌شد استعمال گردید. (همان ص ۲۹۱)

حکمت

ارسطو فلسفه و حکمت حکمای ایران را از حکمت و فلسفه مصر قدیمتر می‌داند و بر حسب تحقیقات علمی علمای فن، «سیر تکامل عرفان در نزد حکمای یونان در آغاز از سرچشمه حکمت زردشت آب خورده است». و نوشته‌اند که «فیثاغورس» حکیم یونانی نزد دانشمند ایرانی بنام «زردشت» درس خوانده و هم پانزده تن از دانشمندان ایرانی بودند که به قول «هرودوت» از طرف داریوش برای نقشه‌برداری کرانه‌های جنوبی اروپا مأمور گردیدند. (همان ص ۲۹۵)

انتقال علوم به یونان

«ویل دورانت» می‌گوید: «از بابل بود که یونانیان جهانگرد پیش از مصر، اصول، ریاضیات نجوم، صرف و نحو و فقه اللغة و باستان شناسی و تاریخ و فلسفه را به کشور خود انتقال و از آنجا به روم و سپس به ما رسید که دلیل بر این امر آنکه در غالب موارد که نامهای یونانی بر فلزات و صور فلکی و آلات موسیقی و داروها و غیره را ترجمه کنیم می‌بینیم اساسی بابلی را یونانیان بکار برده‌اند، منتهی کلمات بابل را بحروف یونانی نوشته‌اند. کلیه تأثیراتی که از تمدن بابل و سپس یونانی در نواحی مرکزی و جنوبی آسیا صورت گرفت از راه ایران و به یاری ایرانیان انجام شد. از همین راه ایران است که نفوذ علوم یونانی، بعد از عهد هخامنشیان، بر هند صورت گرفت و وقتی که، در قرنهای بعد، عیسویت همراه با علوم یونانی و اطلاعات مردم اسکندریه و مراکز علمی آسیای صغیر و سواحل آسیای مدیترانه به پادشاهی ساسانی بطور قطع رخنه کرد، از همین راه ایران و علی‌الخصوص از راه فارس، به

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

هندوستان نفوذ یافت و نیز از راه فلات ایران تا حدود دره سغد و سمرقند پیش رفت. (همان ۲۹۶)

علوم مغان و تأثیر آن بر یونان

پیش از آنکه یونانیان در علم و ادب پیشرفت کنند، آموزش فلسفه در ایران قدیم مرسوم بوده است چنانکه افلاطون و ارسطو نیز در مقدمه تاریخی خود بر فلسفه از فلسفه مغان یاد می‌کنند. در احوال «تمیستوکلس» می‌بینیم که وی در شوش با حکمت مغان آشنایی پیدا کرد و «دیمقراطیس» فرضیه اتمی خود را از بابل به ارمغان گرفت. «هردوت» که او را پدر تاریخ می‌نامند نیز در مصر با اخبار آن سرزمین که یک ساتراپ هخامنشی بود و نیز با تاریخ جهان آشنا شد.

میراث علمی و ادبی مغان ایران در عقاید و افکار فلاسفه و دانشمندان یونانی قبل از اسکندر تأثیر گذارده و خود نمایانگر غنای فرهنگی زمان هخامنشیان است. به موجب روایات سنتی یونانیان، دانشمندان امثال فیثاغورس شاگرد مکتب مغان بوده‌اند. بنابر گفته «دیوژن لائوس» از قول «ارسطو» مغان پارس و نیز حکماء کلدانی بابل و حکماء و مرتاضین هند، بنیان‌گذار فلسفه بوده‌اند. این خود لااقل شهرت و نفوذ مغان را در دنیای خارج از حیطة مزدایی می‌رساند. در زمان سلطنت «اردشیر اول» ۴۶۵-۴۲۴ ق.م رابطه فرهنگی بین ایران و یونان برقرار شد و این امر تحولاتی به وجود آورد. مورخان و دانشمندان یونانی در مصر و بابل و ایران مسافرت می‌کردند و تاریخ، مذاهب و علوم شرقی را فراگرفته و به دیگران می‌شناساندند. دو جهان شرق و غرب با هم تبادل معارف می‌نمودند تا آنکه اروپا به مخالفت با آسیا پرداخت. با وجود جنگ و آشوبها و بیماریهای مسری که هر دو جهان غرب و شرق را در بر گرفته بود دنیای غرب ذخایر علمی را که در طی قرون، قاره آسیا پدید آورده بود، کسب کرد و متأسفانه کم‌کم حتی بدون ذکر نام شرق، آن را به نام خود نمود. (همان ۲۹۶)

دموکریت و الهام از ایران

دکتر تاج بخش در تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران به نقل از منابع می‌نویسد:

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دموکریت (ذیمقراطیس) در ۴۶۰ ق.م متولد شد و از کشورهای مختلفی از جمله مصر و بابل دیدن کرد. به قول «پیردوکاسه» در کتاب فلسفه‌های بزرگ: «ذیمقراطیس معاشرتهای متعددی با مصریها، کلدانیها و ایرانیها و شاید هندوان داشته است و اثرش در حکم دائرة المعارف بزرگی شبیه دائرة المعارف ارسطو است. به قول «گیرشمن» تصور می‌رود که اگر «دموکریت» با دانشمندان بابل تماس نداشت نمی‌توانست فرضیه اتمی خود را پدید آورد و به گفته «هانری پواش» در تاریخ تمدن ایران، احتمالاً «دموکریت» و «پووتاگور» سوفسطایی در بابل در محضر دانشمندان کلدانی و مغانی که در بابل بودند، دانش اندوزی کردند و «دموکریت» نظریه تله پاتی و تصاویر را از عرفان ایرانی کسب کرد.

بنابر گفته «اومستد» دموکریت از بابل به پارس رفت و در آنجا آگاهیهای کافی از دینهای ایرانی بدست آورد و در رساله‌ای به نام «ماگیا» نوشت. (همان ۲۹۷)

هنر اسلامی ایران

«گاستون وایه» در هنر اسلام در سده‌های نخستین می‌نویسد:

هنر اسلامی ایران، به انضمام هنر اسلامی بین‌النهرین، مفهومی از کمال استادانه به ذهن می‌رساند. این هنر شهامت بیشتری از هنر اسلامی سوریه یا مصر دارد و آنرا از طریق صراحت کاملش به دست می‌آورد. انسان جذب اصالت ایرانیان می‌شود و بیشتر از آن، وقتی است که نفوذ ایران در سایر قلمروها نیز نمایان می‌گردد. مهم این است که فواصل بعیدی را که زیر نفوذ ایران قرار گرفت، بخاطر بیاوریم: عاجهای اسپانیایی، تنها با مراجعه به بین‌النهرین قابل توضیح است؛ مسجد قیروان با سفالهای لعابی نقش‌داری که از بغداد آورده بودند، تزیین شده و شاهزاده ابن طولون دانش هنر بغداد را در مصر گستراند. در واقع، رسیدن به شناختی متعادل از گسترش هنری دیگر کشورهای اسلامی، غیر ممکن است مگر از طریق مطالعه هنری ایران. برتری عمومی ایران، همراه با موقعیت جغرافیایی‌اش، ایران را از تأثیرات متقابل عرب مسلمان حفاظت کرد. تعداد کمی استثناء وجود دارد؛ بعضی از صنعتگران موصل بعد از اینکه شهرشان بدست مغولها افتاد، به ایران گریختند.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سنت‌های آنها در اشیاء برنجی ایران قرن چهاردهم آشکار است. از طرف دیگر، از دورانه‌های پیشین، ایرانیها چین را تحسین می‌کردند، در نتیجه حملات مغولها، ایران بشدت تحت نفوذ شرق دور درآمد، گرایشی که با توجه به قالی‌ها و مینیاتورها می‌بایست دوباره رخ دهد. (همان ص ۱۵۳)

ایران در طی عمر خود همیشه یکی از بزرگترین کانونهای صنایع و علوم گوناگون و هنرهای زیبا بوده است. این سرزمین از دوران باستان تا کنون و قرن‌ها پیش از میلاد دانشمندان، هنرمندان و صنعتگران زبردستی را پروراند که همیشه افتخار این سرزمین بوده‌اند و به عالم مدنیست و شرق و غرب خدمات شایانی کرده‌اند. این مسئله باعث شده که ایران در نزد بزرگان، محققان و دانشمندان عالم معروف گردد و آنها را متوجه ایران و آنچه از ایران به آنها رسیده است نماید. و آنچنان باشد که خاورشناسان در فرهنگ و مدنیست ایران غور کرده و مشغول تحقیق و بررسی‌اند. کریستن سن معتقد است «همه اقوام جهان برتری ایرانیان را اذعان داشتند خاصه در کمال دولت و تدابیر عالی جنگی و هنر رنگ آمیزی و تهیه طعام و ترکیب دارو و طرز پوشیدن جامه و تأسیسات ایالت و مراقبت در نهادن هر چیزی بجای خود و شعر و ترسل و نطق و خطابه و قوت عقل و کمال پاکیزگی و درستکاری. در همه این مسائل برتری ایرانیان بر اقوام جهان مسلم بود. (همان ص ۳۶) پروفیسور پوپ اظهار می‌دارد: «اولین شهرهای بین‌النهرین از قبیل آنانی که در قلعه جومو (متعلق به حدود ۴۷۰۰ سال ق.م) و تپه حسونه و تپه گوره کشف کردند در کوهستانهای ایران برپا شده بودند. از چند جهت اساسی، تمدن در این ناحیه، از تمدن مصر لااقل پنج قرن و از تمدن هند بیش از هزار سال و از تمدن چین دو هزار سال پیش افتاد. ایران کشوری است که سهم بزرگی در تمدن بشری دارد، میراث گرانبها و گرانبمایه- ای که بجا مانده به حدی است که نمی‌توان آنرا به قلم آورد. تمدنی که ما امروزه شاهد آن هستیم به جرأت می‌توان گفت از ایران و ایرانیان متأثر شده و این ایرانیان بودند که مسئولیت حمل مشعل تمدن را بر عهده داشته و این مشعل را به اقوام دیگر سپرده‌اند چنانکه گریسون می‌گوید: «ایران فقط مشعلدار علم نبوده، بلکه

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مشعل خود را به اروپا سپرد و هنوز آن مشعل با نوری درخشان تر از همیشه می - سوزد» (همان ص ۴۲)

ایران و ایرانیان در طول تاریخ طولانی و پربار خود گنجینه عظیمی را بر تمدن جهان چه از نظر مادی و چه معنوی افزوده‌اند و ایرانیان باید به خود ببالند که در تمدن جهان سهمی بی‌نظیر داشته‌اند. تمدن ایران به قدری درخشان و خیره کننده بود که وقتی اعراب ایران را گشودند و دیدگان آنها به عرصه پهناور و شکوفان فرهنگ و تمدن پارسی باز شد و به تمدنی برخوردند که از تمدنهای باشکوه و عالی باستانی شمرده می‌شد بیشتر اجزاء آن را اقتباس کردند. همان ص ۴۲

ابن خلدون در مقدمه خود می‌گوید: «و اما ایرانیان بر شیوه‌ای بودند که به علوم عقلی اهمیتی به سزا می‌دادند و دایره این علوم در کشور ایشان توسعه یافته بود. زیرا دولتهای آنها در نهایت پهنآوری و عظمت بود و هم گویند که این علوم پس از آنکه اسکندر، دارا را کشت و بر کشور کیانیان غلبه یافت از ایرانیان به یونانیان رسیده است چه اسکندر بر کتب و علوم بی‌شمار و بی‌حد و حصری از ایشان دست یافت.» همان ص ۴۳

دوران افول روند توسعه تمدن ایرانی

اندیشمندان معاصر دو عامل عمده عقب ماندگی جامعه ایران را این چنین برشمردند: ۱ - حمله اعراب ۲ - حمله مغولان. از نظر آنان تخریب در دو بعد می‌تواند انجام شود اول تخریب فکری دوم تخریب فیزیکی آثار تمدنی. با حمله اعراب تحول فکری جدیدی در ایران رخ داد اما با حمله مغول ویرانی فیزیکی در آثار مدنیت به اوج رسید. در هر کدام از این حملات باید گفت خلاقیت فکری ایرانیان به انفعال و سرخوردگی کشیده شد اما در زمان ورود اسلام نتیجه پس از حملات برعکس بود و به عصر طلایی تمدن اسلامی منجر گردید.. (همان ص ۱۱۴)

نتیجه‌گیری :

با توجه به تبیین و توضیح روند شکل‌گیری تمدن اسلام و ایرا ، شاخص‌های بسیار ملموسی را در رشد و توسعه هر دو تمدن مشاهده می‌کنیم . تاکید بر علم، علم

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- ۱- گرایبی، اندیشه ورزی، تفکر و تحقیق در طبیعت از عوامل مهم تکوین تمدن اسلامی می باشد لذا بعد انقلاب اسلامی ما شاهد یک تغییر و تحول اساسی در جهت حرکت در مسیر علم و علم گرایی هستیم. مهم تر اینکه باید در روشمند و هدفمند کردن علم گرایی، مدل و الگوی مناسب را در تمام ساختارها و نظام های علمی بگنجانیم.
- ۱- اصرار منابع اسلامی بر ضرورت تعلیم و تربیت و علم گرایی را می توان یکی از علل و عوامل اصلی تعالی بخش بودن تمدن اسلامی نامید .
- ۲- علم آموزی و پیشرو بودن در یادگیری علم از عوامل اصلی تمدن سازی اسلامی در مدت زمان بسیار کم بوده است .
- ۳- تفکر و اندیشه ورزی و اندیشه گرایی موجب اعتلای فرهنگ و تمدن انسان ها خواهد شد و بدون این فاکتور ها رسیدن به اهداف بزرگ میسر نمی باشد.
- ۴- آنچه رشد علمی و پیشرفت های مادی را برای مسلمانان میسر ساخت، در حقیقت همان اسلام بود که با تشویق مسلمین به علم و ترویج نشاط در زندگی، راه اعتدال ، توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد
- ۵- تشوق خلفاء، امیران، و وزرا به کسب علم و نیز حمایت و پشتیبانی آنان از کارهای علمی یکی از عوامل پیدایش تمدن اسلامی به شمار می آید.
- ۶- یکی از عوامل رکود فرهنگ و تمدن اسلامی مسأله تحجر و تحجرگرایی بوده است؛ تحول ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزش های متعالی، ابتدا در حوزه تفکر و اندیشه رخ می دهد. مبارزه با جریان های عقلی و بروز پدیده عقل گریزی در جهان اسلام یکی از نشانه های تحجرگرایی و از عمده ترین عوامل سیر تمدن اسلامی به سمت انحطاط در قرون پس از عصر طلایی تمدن اسلامی بود.
- ۷- ایجاد حرکت جهادی در را تولید علم و جنبش نرم افزاری برای ورود به عرصه علمی با یک مدیریت صحیح و عقلانی بسیار لازم و ضروریست .
- ۸- سوق دادن عموم جامعه به سمت علم و اندیشه گرایی نقش بسیار مهمی را جهت ترویج و گسترش علم ایجاد خواهد کرد .

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

فهرست منابع:

۱. نهج البلاغه
۲. بهنیا فر، احمدرضا، معارف- شماره ۶۷-۱۳۸۸
۳. ولایتی علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، چ دوم ج ۱، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، ۱۳۸۲،
۴. هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
۵. هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه علی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۸.
۶. ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ترجمه علی پاشا صالح و دیگران، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۵۴.
۷. بسیج، احمد رضا، فصلنامه معرفت. شماره ۱۰۹، دی ۱۳۸۵، ۸۴-۹۳.
۸. پهلوان، چنگیز، گفتار هایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، پیام امروز، ۱۳۷۸.
۹. پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی، تهران، پیام امروز، ۱۳۷۸.
۱۰. جعفری محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹، ج ۵،
۱۱. جمعی از نویسندگان، جستاری نظری در باب تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، دانش مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۳. حلبی، علی اصغر، تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز، تهران، زوار، ۱۳۶۱.
۱۴. دورانت، ویل، مشرق گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، پاشایی و آریان پور، تهران، علمی و فرهنگی، چ دهم، ۱۳۸۴.
۱۵. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، عطار، چ پنجم، 1379.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۲.
 ۱۷. ضمیری، محمدرضا، معرفت، ۱۴، ۱۳۸۸.
 ۱۸. فؤاد سزگین، گفتارهایی پیرامون تاریخ علوم عربی و اسلامی، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۱
 ۱۹. لینتون، رالف، سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، علمی و فرهنگی، چ سوم، ۱۳۷۸.
 ۲۰. مفتاح محمد، نقش دانشمندان اسلام در علوم، تهران، سازمان پژوهش های علمی در ایران، ۱۳۶۱
 ۲۱. نجفی موسی - فقیه حقانی موسی تاریخ تحولات سیاسی ایران بررسی مولفه های دین - حاکمیت تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ۱۳۸۱
 ۲۲. نیر نوری، حمید، سهم ایران در تمدن جهان، تهران، شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۴۵،
 ۲۳. ولایتی علی اکبر، فصلنامه اندیشه حوزه. شماره ۱۲
- سایت :

۱ - www.khamenei.ir سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله

خامنه ای

(مد ظله العلی)